



مفتاح الفضلا

فرهنگ فارسی از سده نهم

محمد بن داود شادی آبادی

تصحیح و تحقیق
داینا بوشسکایته





سرشناسه	شادی آبادی، محمد بن دارو	عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر	Tehran: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۰.	مشخصات نشر
مشخصات ظاهري	۶۸۳ ص.	مشخصات ظاهري
فروست	مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار بزیدی؛ شماره ۳۰۰. گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۱۰۸.	فروست
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰-۶-۲۳-۹	شابک
وضعیت فهرست نویسی	فیبا.	وضعیت فهرست نویسی
پادداشت	کتابنامه: ص. [۶۰۹] - ۶۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.	پادداشت
پادداشت	نهايه.	پادداشت
موضوع	فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- متون قدیمی تا قرن ۱۴	موضوع
موضوع	Persian Language -- Dictionaries -- Early Works upto 20th Century	موضوع
شناسه افزوده	بوشکاییه، دایانا، ۱۳۶۵--، مصحح.	شناسه افزوده
ردیبندی کنگره	PIR ۲۹۵	ردیبندی کنگره
ردیبندی دیوبیسی	۴۳	ردیبندی دیوبیسی
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۲۶۹۹۲	شماره کتابشناسی ملی

مفتاح الفضلا

فرهنگ فارسی از سده نهم



محمد بن داود شادی آبادی

تصحیح و تحقیق



دکتر داینا بوشسکایته



**مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار**

[۱۰۸]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی - دکتر ڈالہ آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشنین و قایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهبیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



مفتاح الفضلا

فرهنگ فارسی از سده نهم

محمد بن داود شادی آبادی



تصحیح و تحقیق دکتر داینا بوشسکاینه

گرافیست، طراح و مجری جلد کاوه حسن بیگلر

صفحه آرا نزگن عباسپور

دفترنشر بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار

لیتوگرافی صدف

آزاده چاپ من

حقیقت صحافی

۲۲۰۰ نسخه تیراز

چاپ اول

انتشارات دکتر محمود افشار ناشر

خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف نسب، کوی دیبرسیاقی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۵ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۴

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۶۶۹۵۳۸۰-۴ دورنما: ۶۶۴۰-۵

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰-۵



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)

وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (با معاونان اول هر یک ازین بنج مقام) (طبق ماده ۲ و قننه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - دبیر)

سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)

دکتر محمد افشین و فایی (مدیر عامل) - محمد رضا رضایزدی (خزانه دار)



دکنگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار

ابرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشاریزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - الہیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمدعلی هدایتی



یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقناسته اول مورخ بازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه.ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوايز به نويسندگان به شرح دستور اين وقناسته گردد.

دوم

هدف اساسی اين بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقناسته تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتنی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید بادرآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زبان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقناسته هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تاییست و پنج قیمتگذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الرحمه فروشندهان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابدآ جنبه تجاری ندارد با ما میاري و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (موزخ ۱۲/۴/۱۳۵۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغتنامه دهخدا و محل مؤسسه باستان‌شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد و قفنامه که از جمله عبارت از دادن جوائز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطای و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوائز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک وزبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزی‌دی
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی

محمود افشاریزی

تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقfnامه باشد. اگر همه تأییفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صدرصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تأییفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرایی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایرہ مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بازکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرگز و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آنکه نباید به اغراض سیاسی خارجی در لفاف پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال ها بعد از مانخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسنده کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تممله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسنده‌گان. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف و قفname باشد و مرrog زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به طور مرموز و چه علی مخصوصاً نباید آلوه باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نزادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چونتوان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌بردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کارما شبيه به معامله مران‌الدين باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دوشاهی، می‌پخت و زنگ می‌کرد و می‌فروخت بد شاهی! عقیده ما براین است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زیان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

۱۷	۱. مقدمه.....
۱۷	۱-۱. مفتاح‌الفضلا و دیگر آثار شادی‌آبادی.....
۲۴	۲-۱. ارزش و اهمیت مفتاح‌الفضلا.....
۲۵	۳-۱. پیشینه تحقیقات مریوط به مفتاح‌الفضلا.....
۲۶	۴-۱. معرفی دو نسخه از مفتاح‌الفضلا.....
۲۹	۵-۱. اختلافات بین نسخه‌ها.....
۳۲	۶-۱. روش تصحیح.....
۳۷	۷-۱. رسم الخط نسخه‌ها.....
۴۰	۸-۱. ویژگی‌های مفتاح‌الفضلا.....
۴۰	۸-۱-۱. نوع و کاربرد فرهنگ.....
۴۳	۸-۱-۲. گردآوری اطلاعات.....
۴۳	۸-۱-۳. منابع اولیه.....
۴۴	۸-۱-۴. منابع ثانویه.....
۴۵	۸-۱-۵. ساختار فرهنگ.....
۴۷	۸-۱-۶. محتوای قسم اول مفتاح‌الفضلا.....
۴۸	۸-۱-۷. انواع سرمدخل.....
۴۸	۸-۱-۸. اسم.....
۵۰	۸-۱-۹. سرمدخل‌های غیرفارسی و وامواژه‌ها.....
۵۱	۸-۱-۱۰. ترکیبات.....
۵۱	۸-۱-۱۱. صفت.....

فرهنگ مفتاح الفضلا

۵۲	فعل
۵۳	گروه‌های واژگانی دیگر
۵۵	۲-۴-۸-۱. الگوهای مدخل‌سازی
۵۶	شیوه نشان دادن تلفظ
۵۸	تعریف و شرح معنای سرمدخل
۶۰	مشکلات تعریف‌نویسی
۶۳	گونه‌های مختلف سرمدخل
۶۵	نکته‌های دستوری و زیان‌شناختی
۶۶	نکاتی مربوط به ریشه‌شناسی
۶۷	اصطلاحات عامیانه
۶۷	معادل‌های عربی و هندی
۶۸	شاهد مثال
۶۹	اشاره به منابع در مدخل‌ها
۷۲	۳-۴-۸-۱. برآیند سخن پیرامون قسم اول
۷۳	۵-۸-۱. محتوای قسم دوم مفتاح الفضلا
۷۵	۱-۵-۸-۱. انواع سرمدخل‌ها
۷۵	ترکیبات
۷۶	جمله‌ها
۷۷	کلمات مشتق و مرکب
۷۸	کلمات بسیط و مفرد
۷۸	۲-۵-۸-۱. تعریف سرمدخل‌ها
۸۱	۳-۵-۸-۱. برآیند سخن پیرامون قسم دوم
۸۳	چند تصویر از نسخه‌ها
۹۱	۲. مفتاح الفضلا
۹۱	[دیاچه]
۹۳	[قسم اول]
۹۳	باب الألف مع الألف
۱۳۹	باب الباء مع الألف
۲۰۳	باب التاء مع الألف

٢٢٧	باب الجيم مع الألف
٢٤٠	باب الجيم الفارسي مع الألف
٢٥٣	باب الخاء مع الألف
٢٧٨	باب الدال مع الألف
٣٠٠	باب الراء مع الألف
٣١٣	باب الزاء مع الألف
٣٢٧	باب السين مع الألف
٣٥٦	باب الشين مع الألف
٣٧٨	باب الغين مع الألف
٣٨٨	باب الفاء مع الألف
٤٠٤	باب الكاف مع الألف
٤٣٩	باب كاف الفارسي مع الألف
٤٥٢	باب اللام مع الألف
٤٦٠	باب الميم مع الألف
٤٧٦	باب النون مع الألف
٤٩٧	باب الواو مع الألف
٥٠٦	باب الهاء مع الألف
٥١٦	باب الياء مع الألف
٥٢٧	قسم دوم از مفتاح الفضلا در مرکبات، بعضی اصطلاحات
٥٢٧	باب الألف مع الألف
٥٥٧	باب الباء مع الألف
٥٩٥	باب التاء مع الألف
٦٠٢	[باب السين]
٦٠٢	[باب الهاء]
٦٠٤	باب الياء مع الألف
٦٠٩	فهرست منابع
٦١٧	فهرست الفبالي واژهها
٦١٧	قسم اول
٦٦٥	قسم دوم

۱. مقدمه

۱-۱. مفتاح الفضلا و دیگر آثار شادی‌آبادی

مفتاح الفضلا فرهنگ لغتی فارسی به فارسی از سده نهم است که در شبهقاره هند نوشته شده و در آن گاهی به معادل‌های عربی و هندی واژه‌های فارسی نیز اشاره شده است. در زمان تألیف مفتاح الفضلا، زبان فارسی در بین طبقات دولتی و فرهنگی جامعه هند به عنوان زبان رسمی گسترش و ثبوت پیدا کرده بود؛ بنابراین نیاز به شناخت بهتر فرهنگ و ادبیات فارسی و آموختن خود زبان فارسی و داشتن ابزارهای آموزشی آن در میان نخبگان جامعه بهشدت حس می‌شد. بر اساس همین احساس نیاز و رشد روزافزون آن، فرهنگ‌نویسی فارسی از سده هفتم در شبهقاره شکل گرفت و گسترشی ثابت و پیوسته یافت. زمان تألیف مفتاح الفضلا مطابق است با اولین دوره فرهنگ‌نویسی فارسی در شبهقاره (از سده هفتم تا سده یازدهم)؛ وقتی که پایگاه فرهنگ‌نویسی فارسی کاملاً از ایران به شبهقاره منتقل شده بود (شهریار نقوی، ص ۱۵) و در همه مناطق شبهقاره آن زمان، آثار بر جسته‌ای در حوزه فرهنگ‌نویسی تألیف شده بود (Blochmann, p. 2-3).

مفتاح الفضلا در منطقه تاریخی هند، مالوه (یا مالوا، که امروزه شامل مناطق مرکزی غرب ایالت مادی‌پرا داش و مناطق جنوب شرقی ایالت راجستان است)، نوشته شده است (Losty, p. 66).^۱ تاریخ دقیق نگارش این فرهنگ، سال ۸۷۳ق است؛ آخرین سال حکومت ابوالمظفر محمودشاه خلجی (۸۳۹-۸۷۳ ه. ق.). که در زمان او سلطنت مالوه به اوج تعالی و توفيق رسید (Lane-Poole, p. 174). محمودشاه نه تنها در پایتخت، بلکه در همه قلمرو حکومت خود به تأسیس مدارس اهتمام می‌نمود، به دانشمندان مسلط بر زبان فارسی کمک‌هزینه تحصیلی

۱. نیز نک: «معرفی دو نسخه از مفتاح الفضلا» در مقدمه همین کتاب.

اهدا می‌کرد (Day, p. 371)، و به طور کلی آنچنان به حمایت از پیشرفت آموزش در منطقه حکمرانی خویش می‌پرداخت که مالوه به عنوان قطب آموزشی زمانه خود شهره آفاق شده بود و به قول تاریخ‌نویسان، شیراز و سمرقند بدان رشك می‌بردند (فرشته ج ۲، ۴۸۰ به نقل از Day, p. 205). افزون بر این، نباید از خاطر برد که بعد از فروپاشی سلطنت دهلی در اثر حمله تیمور، یکی از مناطقی که دانشمندان دهلی به آنجا پناه بردند، پایتخت مالوه بود (idem, p. 249). نام این شهر، ماندو (به آن مانداو-گاره [Mandav-garh] هم گفته می‌شد) بود که دلاورخان، اولین حاکم دوره جدید سلطنت مالوه، در اوایل سده نهم آن را به شادی‌آباد تغییر داد. نام «دارالملک شادی‌آباد» بر روی سکه‌های آن دوره ضرب می‌شد و این شهر مدتی بین مسلمانان به همین اسم (شادی‌آباد) شناخته می‌شد (idem, p. 23).

از نسبت مؤلف *مفتاح الفضلا* که نامش را در دیباچه یکی از نسخه‌ها به شکل «محمد بن داود بن محمد بن محمود شادی‌آبادی» آورده است^۱، پیداست که او در شادی‌آباد به دنیا آمده یا مدتی دراز در آنجا زیسته و حتماً از فضای فرهنگی این شهر به نفع فعالیت‌های خود سود برد است. سه اثر دیگر، شامل شرح دیوان انوری، شرح دیوان خاقانی، و الحیل نیز به شادی‌آبادی منسوب شده است.

شرح دیوان انوری و شرح دیوان خاقانی هر دو به روشی یکسان پرداخته شده؛ یعنی مؤلف ابتدا لغات مشکل و پیچیده بیت را معنا کرده و هرجا لازم دانسته، نکات دستوری و بلاغی و تلمیحی را توضیح داده و سپس معنا و مفهوم کل بیت را گفته است. وی معمولاً بیت نخست هر قصیده یا قطعه را شرح کرده و سپس به شرح دیگر ایيات مشکل، که توضیح آن‌ها را لازم دانسته،

۱. نام شادی‌آبادی بعنوان مؤلف *مفتاح الفضلا* در دیباچه نسخه بریتانیا به‌وضوح و قطعیت ذکر شده است (نک: «معزوفی دو نسخه از *مفتاح الفضلا*» در مقدمه همین کتاب و دیباچه *مفتاح الفضلا*)؛ اما با توجه به اینکه نسخه مجلس فاقد دیباچه است و نسخه‌شناسان ایرانی، علاوه بر این نسخه، احتمالاً تها به تصاویر نسخه بریتانیا (تیئمشده توسط مرکز میکروفیلم نور دهلی‌نو، که به دلیل نامعلومی صفحات دیباچه را ندارد) دسترسی داشته‌اند، هنگام اشاره به *مفتاح الفضلا*، نامی از شادی‌آبادی نیاورده‌اند و شاید به همین دلیل، حتی مدخل‌نویس داشتمامه زبان و ادب فارسی در شبیه‌قاره اتساب تأثیف *مفتاح الفضلا* به شادی‌آبادی را محتمل و غیرقطعی دانسته است (نک: اسکندری، ص ۱۵۷). عجیب آنکه، شهریار تقوی (ص ۹۱)، که کتاب وی یکی از منابع مدخل مذکور در این داشتمامه است، با مراجعه به اصل نسخه بریتانیا یا احتمالاً بنا بر قول نگارنده کاتالوگ نسخه بریتانیا (ریو)، در مورد اتساب این اثر به شادی‌آبادی، با اطمینان سخن گفته است. به هر رزوی، امروز با دسترسی به دیباچه نسخه بریتانیا، هرگونه شباهی در این مورد از میان رفته و می‌توانیم شادی‌آبادی را مؤلف این اثر بدانیم.

پرداخته است (ترکی و اسکندری، ص ۱۱۹). در *مفتاح الفضلا نیز*، همان طور که بعداً نشان داده خواهد شد، بیشتر، واژه‌هایی که در اشعار به کار رفته مدخل شده و توضیح داده می‌شود و عبارات شعری مخصوصاً از دیوان خاقانی وارد این فرهنگ شده است. در شرح‌های مذکور، مانند *مفتاح الفضلا*، شادی‌آبادی از معادل‌های هندی برای توضیح بعضی از واژه‌های فارسی استفاده کرده است. به نظر مصطفی‌خان، این دو اثر با دقّت نوشته شده و شرح‌های نسبتاً سودمندی است. البته نقاط ضعفی هم دارد؛ مثلاً شادی‌آبادی برخی کلمات را بر اساس درک خویش از مفهوم کلی شعر معنا کرده که گاهی اوقات به بیراهه قدم گذشته (همو، ص ۱۳۰). در *مفتاح الفضلا نیز* در تعریف بعضی از واژه‌ها یا عبارات همین مشکل دیده می‌شود.

در نسخ شرح‌های دیوان انوری و خاقانی چند جا و چند بار به اسم مؤلف اشاره شده است؛ ولی بین این اسمی و نامی که در نسخه‌ای از *مفتاح الفضلا آمده*، اختلافاتی وجود دارد و در این شرح‌ها، «هر بار که به اسم او برمی‌خوریم، با نام جدیدی مواجه می‌شویم که فقط شباهتی اندک به اسامی قبلی دارد» (همو، ص ۱۱۶)؛ اما نام مؤلف در شرح دیوان خاقانی در دو جا «محمد بن داود بن محمد بن محمود» آمده (همان‌جا)؛ تقریباً به همان شکلی که در *مفتاح الفضلا نیز* هست.

اثر دیگر شادی‌آبادی کتاب *الحیل*^۱ است که ترجمه‌ای است از کتاب *الجامع بين العلم والعمل النافع في صناعة الحيل*^۲ که آن را به اختصار *الحیل* نامیده‌اند (ناطق و احمدیوسف حسن، ص ۲۷۱). مؤلف این کتاب، بدیع الزمآن ابوالعلّّاز بن اسماعیل بن الرزاّز الجزری، آن را در سدة ششم و هفتم نوشته و در آن حدود صد دستگاه مکانیکی و دستورالعمل نحوه ساخت آن‌ها را همراه با شکل، معرفی و توصیف و رسم کرده است. در کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه شهید مطهری (مسجد و مدرسه سپهسالار سابق) دو نسخه وجود دارد که ترجمه‌هایی فارسی از کتاب عربی مذکور است. در نسخه شماره ۷۰۷ تا جایی که می‌دانم نامی از مترجم نیامده؛ ولی بر نسخه شماره ۷۰۸ دو یادداشت وجود دارد که در آن‌ها شادی‌آبادی به عنوان مترجم این کتاب

۱. فهرست‌نویسان با دو عنوان مختلف *حیل* (دانشپژوه و مژوی، ج ۴، ص ۳۵۶) و *جزالتقل* (مژوی، ج ۱، ص ۱۵۸) به این اثر اشاره کرده‌اند.

۲. قیمت‌ترین نسخه آن، که اکنون در کتابخانه کاخ توپقابی در استانبول ترکیه نگهداری می‌شود، با این عنوان آمده؛ اما این کتاب پیشتر با عنوان نسخه سده ۱۵ میلادی کتابخانه بادلین، یعنی کتابی در معرفت *الحیل* الهندسیه شناخته شده است.

معزفی شده است. بر برگ اول، عبارت «كتاب جرثمه الحيل و ترجمة الحيل في فنون الغربيه [...] من المصنفات ابي على سيناء وابوموسى البخاري وشارحه محمد داود العلوى الشادى آبادى وابى حامد رحمة الله»، و در بالای برگ ۲۸ عبارت «كتاب ترجمة الحيل لبني موسى وسقط من اوله عدة أجزاء والمتلجم محمد بن داود العلوى الشادى آبادى» مكتوب است.

البته يادداشت‌های مذکور، به خطی غیر از خط کاتب اصلی است و انتساب این ترجمه به شادی آبادی بر اساس آن‌ها ممکن است محل تردید باشد (اسکندری، ص ۱۵۷-۱۵۸)؛ ولی در کتابخانه بریتانیا نسخه دیگری وجود دارد به نام عجایب الصنایع (Or. 13718) که آن نیز به محمد بن داود شادی آبادی منسوب شده (Waley, 1998) و خوشبختانه این نسخه مقدمه مترجم را نیز دارد که در آن نوشه شده است:

«[...] اما بعد، می‌گوید داعی درگاه جهان‌پناه، (محمد) بن داود بن محمد بن محمود علوی شادی آبادی، نور الله تعالى قلبه بتوار عرفان الحقيقة، که روزی این داعی، به رسم مألف، پیش پایه سریر عرش سای خداوند عالم، سلطان اعظم، شهنشاه معظّم، ملک العلماء، مرتبی الفضلاء، قالع الکفار و المتمرّدين، قامع الاشرار و المشركين، آفتاب برج خلافت، مشتری سپهر سعادت، سحاب سماء سخاوت، ذوال(...)ان، المؤذن بتائید الرحمن، ناصرشاه بن غیاثشاه بن محمودشاه السلطان الخلنجی مذ الله ظلال جلاله و النجح حوانج آماله، در سلک بندگان به خدمت ایستاده بود. به مراحم پادشاهانه و عواطف خسروانه فرمان شد که کتاب حیل بنی موسی که عروسی محروس به لباس استبرق تازی ملبوس است، اگر اورا به کسوت پرینان پارسی مکتسی گردانی، بر حسن حرکات و سکنات و بر غوامض اشکال و اعمال او، به مجرد مطالعه، مردم (...) العقل را اطلاعی بود. چون فرمان جهان مطاع (...) الله في البلاد الى يوم المعاد بمشافهه اصدار یافت، این داعی هرچه زودتر کمر امثال بر میان جان بست و در اوقات بکور و آصال و ساعات ایام مرگ بجد و اجتهد را در مضمار وسع (و) امکان دوانید و این عروسی محروس را به تجلی عبارت پارسی متحلّی گردانید و در نظر شاه عالم و در معرض حجله حضرت عالی جلوه داد و اسمی آلات حکمت و لغات عربی و فرهنگی و اصطلاحات حکمت و رموز و اشارات حروف تهیجی و نکات نجوم و هیئت افلاک و امثال آن، که با (به) آن احتیاج بود، عقدة مشکل همه بگشاد و عجایب الصنایع مستقی ساختم [...]» (ج ۲ پ-۳ پ).

نام مؤلف به همین صورت یکجا در شرح دیوان خاقانی نیز آمده است (ترکی و اسکندری، ص ۱۱۶). علاوه بر این، طبق جست وجوهای مصحّح شرح دیوان انوری، در همه ضبط‌ها «محمد بن داود» به عنوان اسم مؤلف آمده و او احتمال داده نزدیک‌ترین گزینه به اسم اصلی

مؤلف، محمد بن داود علوی شادی‌آبادی باشد.^۱ با این‌همه، ما با توجه به متن خود، یعنی مفتاح الفضلا، نام مؤلف آن را به همان شکلی که در دیباچه نسخه‌ای از این فرهنگ آمده است می‌پذیریم و در نظر می‌گیریم.

از سوی دیگر، متن نسخه بریتانیای عجایب‌الصنایع همان است که در دو نسخه سپهسالار نیز آمده است؛ ولی از مقدمه نسخه بریتانیا چنین برمی‌آید که ناصرشاه و شادی‌آبادی کتاب الحیل را نوشتند بنموسى بن شاکر می‌پنداشته‌اند (Waley, p. 34)، و به نظر نمی‌رسد که شادی‌آبادی هرگز به اشتباه خود در این زمینه بی‌برده باشد.^۲ همچنین در یادداشتی نسبتاً قدیمی در یکی از برگ‌های نسخه بریتانیا (گ ۱ ر) دوباره اشاره می‌شود که این متن، ترجمه کتاب الحیل بنی موسی است: «ترجمة كتاب حيل يعنی موسی تصنیف محمد بن داود بن محمود بن محمود علوی شادی‌آبادی که در زمان ناصرشاه بن غیاثشاه بن محمودشاه السلطان الخلجی ترجمه شده، مشتمل بر غواصین اشکال و اعمال عجیبه و غریبیه». این یادداشت، به یادداشت نسخه شماره ۷۰۸ سپهسالار شبیه است که در آن هم اشاره شده است که کتاب ترجمه شده، از آن بنی موسی است. البته در جایی از نسخه بریتانیا، به اسم مؤلف واقعی کتاب عربی نیز اشاره شده است. در مقدمه اصل کتاب (گ ۳ ب) اسم مؤلف به این صورت آمده است: «شيخ ابوالعز بن اسماعیل ریاز خوزی رحمة الله عليه که رئيس اعمال و بدیع زمان بود»؛^۳ ولی مشخص است که این ترجمه که در سه نسخه بریتانیا و سپهسالار ارائه شده، در واقع ترجمه کتاب الجزری است؛ چه کتاب الحیل بنی موسی در فهرست برلین (ش ۵۵۶۲) شناسانده شده و غیر از این سه نسخه است (دانش پژوه و منزوی، ص ۳۵۴).^۴

در کتابخانه بهار هند، نسخه‌ای از کتاب الحیل الجزری (نسخه شماره ۳۵۹) نیز وجود دارد که در

۱. پژوهشگران فرهنگ‌نویسی و تاریخ ادبیات فارسی نام مؤلف را به صورت‌های مختلف ضبط کرده‌اند. نک: ترکی و اسکندری، ص ۱۱۶؛ علیزاده، ص ۲۴۰؛ اسکندری، ص ۱۵۷.

۲. جزری در کتاب خود علاوه بر معرفی شیوه‌های بنوموسی، به قدر آن‌ها نیز می‌پرداخت (طارمی‌راد، ص ۵۱۳).

۳. در دو نسخه سپهسالار، نام مؤلف کتاب اصلی نیز درست نوشته نشله است. در مقدمه نسخه شماره ۷۰۷ آمده است: «شيخ ابوالعزیز اسماعیل ریاز خوزی رحمة الله عليه رئيس اعمال و بدیع الزمان» (گ ۲ ب). در انجام نسخه شماره ۷۰۸ آمده است: «تقت الكتاب ترجمة حيل ابوالعزيز اسماعیل الریاز الجزری رحمة الله عليه على يد العبد الحقیر» (گ ۲۵۹ ر).

۴. نسخه دیگری از ترجمه فارسی این اثر نیز با شماره ۱۱۴۵ در کتابخانه پاریس وجود دارد (Blochet, p. 72-73). این نسخه با دو نسخه سپهسالار، و نیز نسخه بریتانیا، برگرفته از یک ترجمه است. در نسخه پاریس به نام مترجم وزمان ترجمه اشاره نشله است (طارمی‌راد، ص ۵۱۸-۵۱۶).

آن نام کتاب «فن جرّتیل» خوانده شده و نیز از این کتاب به نام «کتاب حیل بنی موسی» هم یاد گردیده است (همانجا). البته در اینجا نام الجزری هم آمده؛ ولی در صفحه عنوان کتاب نوشته شده: «در فن جرّتیل کتاب حیل بنی موسی برهان جلدکی جلد دوم» و در آخرین برگ کتاب در یادداشتی دوباره به بنی موسی اشاره شده است: «حیل بنی موسی، در علم صنعت، از کتبخانه قاضی محمد علیم دلهوی شریف، محله بیلی خانه صورت ابیاع پذیرفت. الحمد لله که به عمری دامن امید پر شد از گوهر مراد. فقیر خیرالله مهندس سهارپوری» (Husain, p. 404). شاید اشتباه شادی‌آبادی تحت تأثیر چنین نسخه‌هایی که در هند وجود داشته رخ داده باشد.

جالب اینکه نسخه شماره ۷۰۸ سپهسالار و نسخه بریتانیا، که در هر دو شادی‌آبادی به عنوان مترجم معترفی شده است، چند فصل افزوده دارد که در کتاب اصلی نیست. یکی از این فصل‌ها، شرحی است به عنوان «لغاتی که اندر^۱ این کتاب شامل است»، که فهرست مختص‌تری است شامل سی اصطلاح عربی با تعاریف فارسی در زمینه‌های ستاره‌شناسی، علم هندسه، واحدهای اندازه‌گیری، معماری، اسماء آلات و غیره، مثل میل اعظم، معدل النهار، قطر، شب و طفافه. در اینجا کلمه‌ها بدون ترتیب الفبایی آمده و در چهار مورد در تعریف سرمهدخل، معادل هندی آن‌ها نیز نوشته شده است: «افریز: هرچه گردآگرد آب بسازند تا آب بیرون نرود و آن را به هندوی پال^۲ گویند و آنچه گردآگرد چیزی به طریق محوط بسازند و کرانه آب‌سرای که از خشت بود»؛ «اسفل: ته هر چیزی و شب هر چیزی که اهل هند آن را پیندا^۳ گویند»؛ «رزه: حلقه‌ای خرد از آهن که در او حلقه‌ای بزرگ و یا زنجیر کنند و بیشتر درها را و تخته‌های درها را بر طریقه لزوم بود و اهل هند آن را کوندا^۴ گویند»؛ «سباره: سنگ فسان چرخ که بدان آهن هموار کنند و اهل هند آن را کهرسان^۵ گویند» (نسخه شماره ۷۰۸ سپهسالار، گ ۲۵۸؛ نسخه بریتانیا، گ ۱۸۹ پ، گ ۱۹۰).^۶ ترجمة الحيل و فهرست واژه‌های تخصصی آن نشان می‌دهد که شادی‌آبادی اطلاعات وسیعی

۱. اصل: آن را.

2. In *Dictionary of Urdu, Classical Hindi and English*: “Pal: a raised bank, embankment (to confine water for irrigation), dam, dike, causeway”.
3. In *Dictionary of Urdu, Classical Hindi and English*: “Penda: the bottom (of as vessel, box, pot, etc.); the breech (of a cannon)”.
4. In *Dictionary of Urdu, Classical Hindi and English*: “a staple, a hasp”.
5. In *Dictionary of Urdu, Classical Hindi and English*: “Kharsan: a whetstone, grindstone”.
6. نسخه پاریس نیز فهرست لغات را دارد (طارمی‌زاد، ص ۵۱۵-۵۱۶). فصل‌های دیگر که فقط در ترجمه فارسی وجود دارد و در کتاب اصلی نیست، از این قرار است: «در صفت طشتی که چون دست شویند، ماهیان از او برآیند» و «صفت دور دانم».

در زمینه‌های علمی داشته و از همین‌رو حتی توانسته اشعار دارای اصطلاحات تخصصی را به خوبی شرح کند و اصطلاحات علمی را به گونه‌ای دقیق توضیح دهد (طبیانی، ص ۶). این امر شادی‌آبادی را از دیگر اقرانش متمایز می‌سازد (ترکی و اسکندری، ص ۱۳۰).

مفتاح‌الفضلا ظاهراً اولین اثر شادی‌آبادی است؛ زیرا، چنان‌که گفته شد، ترجمة الحيل (یا عجایب‌الصنایع) به فرمان ناصرشاه خلجی (۹۰۶-۹۱۶ ه.ق.) انجام پذیرفته و شرح دیوان انوری نیز به دستور همو تأليف شده (اسکندری، ص ۱۵۷)، و ناصرشاه بعد از تاریخ نوشتن مفتاح‌الفضلا پادشاه مالوه شده است. در انجام نسخه عجایب‌الصنایع آمده است: «تقت تمام هذا الكتاب بعون الله الوهاب بتاريخ شانزدهم ماه شعبان سنة...» (گ ۱۸۸ ب). متأسفانه سال تأليف این نسخه نیامده است؛ ولی در کثار این جمله یادداشتی دیگر به خطی دیگر وجود دارد که می‌گوید: «صحيح شده فی تاریخ ۹۱۴ شوال سنة ۹۱۴»، و این نشان می‌دهد که مترجم این نسخه را بررسی کرده و آن را ده هفته بعد از تمام کردن در سال ۹۱۴ ق تصدیق کرده است؛ یعنی چند سال قبل از مرگ ناصرشاه حامی خود (گ ۱۵۵ ر).^۱ می‌توان گفت شادی‌آبادی دست‌کم تا سال ۹۱۴ زنده بوده است. نسخه‌های شرح دیوان انوری و شرح دیوان خاقانی تاریخ تأليف ندارد و شادی‌آبادی در شروح خود اشاره‌ای به دیگر آثارش نکرده؛ ولی محققان از طریق مقایسه شرح‌های دیوان انوری و دیوان خاقانی به این نتیجه می‌رسند که احتمالاً شرح دیوان خاقانی بعد از شرح دیوان انوری نوشته شده؛ زیرا پختگی نثر و توضیحات وی در باب کلمات و ایيات در شرح دیوان خاقانی بیشتر است (ترکی و اسکندری، ص ۱۱۹).^۲

از میان این دو اثر شادی‌آبادی، شرح دیوان خاقانی شهرت بیشتری نسبت به شرح دیوان انوری یافته؛ با اینکه او نخستین شارح دیوان انوری بوده است (همان‌جا). به‌هرحال، به نظر می‌رسد عمدۀ شهرت شادی‌آبادی، به خاطرِ همین دو شرح بوده است تا برای ترجمة الحيل یا فرهنگ مفتاح‌الفضلا. مفتاح‌الفضلا به عنوان نخستین اثر شادی‌آبادی، کمتر شناخته شد و کمتر مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت؛ تا جایی که مؤلفان فرهنگ‌های بعدی، یا به دلیل نایاب

۱. دو نسخه سپهسالار، تاریخ تأليف اثر یا تاریخ کتابت را ندارد.

۲. نیز نک: مهدوی فر (۳، حاشیه ص ۲۴۹) که با استاد به اینکه شادی‌آبادی در مقدمه شرح دیوان خاقانی اظهار کرده اشعار استادان سلف را خوانده و بر غواصین معانی آن‌ها اطلاع یافته، می‌گوید تأليف این شرح بعد از مفتاح‌الفضلا و شرح دیوان انوری بوده است.

بودن این فرهنگ، از آن استفاده نکرده‌اند یا به دلیل کمتر معروف بودن آن، در آثار خود به این کتاب اشاره ننموده‌اند و نامی از آن در فهرست منابع فرهنگ‌های فارسی بعدی برده نشده است. با این‌همه، گمنامی مفتاح الفضلا به هیچ‌وجه از اهمیت تاریخی این فرهنگ نمی‌کاهد.

۱-۲. ارزش و اهمیت مفتاح الفضلا

به نظر بایفسکی، هنوز سیر تکاملی تاریخ فرهنگ‌نویسی فارسی و خصوصاً مرحله اول آن به اندازه کافی بررسی نشده و اصول تدوین فرهنگ‌های این دوره هنوز به حد کافی تبیین نشده است (Baevskii, p. 8). در طول سده‌های هفتم تا یازدهم، تقریباً همه فرهنگ‌های فارسی به فارسی در شبه‌قاره نوشته شده است. از آنجاکه نویسنده‌گان این فرهنگ‌ها ایرانی نبوده‌اند، سعی کرده‌اند واژه‌های زبان فارسی را از هرجا که امکان‌پذیر باشد جمع‌آوری کنند. بنابراین در این دوره محتویات هر فرهنگ جدید را با توجه به فرهنگ‌های پیش‌تر نگاشته‌اند و فرهنگ‌ها دارای ویژگی‌های مشترک است (شهریار‌نقی، ص ۱۵). مفتاح الفضلا نیز با فرهنگ‌های هم‌دوره خود شbahat‌هایی دارد و با پژوهشی مقایسه‌ای در مورد آن، می‌توان ویژگی‌های کلی فرهنگ‌نویسی فارسی آن دوره را به دست آورد.

از طرف دیگر، هرکدام از فرهنگ‌های دوره اول فرهنگ‌نویسی، ویژگی‌های خاص خود را نیز داراست. مفتاح الفضلا نسبت به فرهنگ‌های پیشین، محتوای گسترده‌تری دارد و مؤلف آن بیشتر کوشیده محتوای فرهنگ خود را با محیط زبانی و فرهنگی جامعه مخاطبانش در هند سازگار کند، تا بر کارآیی این فرهنگ برای خوانندگان آنجا بیفزاید. آن دسته از اطلاعات مندرج در مدخل‌ها و تعاریف مفتاح الفضلا که شناختی از فرهنگ هند در آن دوران و نیز ارتباط آن با فرهنگ ایران به دست می‌دهد، ممکن است برای پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی آن دوره، تازه و مفید باشد. همچنین باید گفت نسخه بریتانیای مفتاح الفضلا ۱۸۷ نقاشی دارد که اطلاعات تصویری ارزشمندی درباره مدخل‌ها به دست می‌دهد (Rieu, p. 116).^۱ گویا، جز این فرهنگ، هیچ فرهنگ فارسی مصوری در هند تدوین نشده و به خاطر همین خصوصیت، فرهنگ مفتاح الفضلا منحصر به فرد است (Qaisar, p. 18).

۱. در Losty (p. 66) اشاره شده است که شمار نقاشی‌ها ۱۷۹ قاب است.

بررسی دقیق مدخل‌های مفتاح الفضلا می‌تواند برای یافتن و مشخص ساختن تصحیفات فرهنگ‌های بعدی، که در حوزه فرهنگ‌نویسی فارسی مستله‌ای بسیار مهم است، کلیدهای گشایینده‌ای به دست پژوهشگران بدهد. با نگاهی اجمالی به فرهنگ‌ها آشکار می‌شود که فرهنگ‌نویسان، همواره خواسته یا ناخواسته ضبط واژه‌های مشکوک و نامعروف را تغییر داده‌اند؛ به گونه‌ای که در برخی موارد، یک لغت یا ترکیب خاص، در فرهنگ‌های مختلف دچار تغییراتی چندباره شده است (منصوری، ص ۱۰۵). کمترین تأثیر این گونه تصحیفات و تغییرات، راه یافتن صورت‌های متعدد و متفاوتی از واژه‌ها به فرهنگ‌های معاصر فارسی است که از طریق فرهنگ‌هایی مانند جهانگیری، برهان قاطع، آندراج و غیاث‌اللغات به فرهنگ‌های معاصر مانند لغتنامه دهخدا و لغتنامه فارسی منتقل شده است (مرادخانی و همکاران، ص ۲۱۹؛ صادقی، ۷، ص ۳۸۵). اگرچه نمی‌توان با قطعیت از تأثیر مستقیم و حتمی مفتاح الفضلا بر فرهنگ‌های مذکور سخن گفت، دست‌کم باید توجه داشت منابع این فرهنگ همان فرهنگ‌های قدیمی بوده که مؤلفان فرهنگ‌های مذکور از آن‌ها استفاده کرده‌اند. بررسی مدخل‌های مفتاح الفضلا ممکن است بتواند منشأً برخی از این تصحیفات را نشان دهد.

۱-۳. پیشینه تحقیقات مربوط به مفتاح الفضلا

امروزه مفتاح الفضلا لاقل به خاطر قدمتش نزد هندشناسان و تاریخدانان هند از اهمیت شایانی برخوردار است و در تحقیقات مربوط به اقتصاد، آموزش و پرورش، وضعیت زنان، فناوری‌ها، هنر و فرهنگ هند در قرون وسطی بدان ارجاع داده می‌شود. البته تاکنون در تحقیقات مذکور، بیشتر نقاشی‌های نسخه بریتانیا بررسی شده (نک: فهرست منابع^۱ (Firdaus, Losty, Qaisar & Verma, Titley: Firdaus, Losty, Qaisar & Verma, Titley: Technology in 15th Century Malwa – Evidence of Miftah-ul Fuzala", Proceedings of the U. P. History Congress (Jaunpur Session), 2011. Andrew Topsfield, The Art of Play: Board and Card Games of India, ed. Andrew Topsfield, Marg Publications, 2006. Alam Ishrat, "Textile tools as depicted in Ajanta and Mughal Paintings" in Technology in Ancient and Medieval India, ed. Anirudh Roy and S. K. Bagchi, Delhi, 1986. Vivek Gupta "Wonder Reoriented: Manuscripts and Experience in Islamicate Societies of South Asia (ca. 1450-1600)", PhD thesis, SOAS University of London, 2020; etc.)

1. Also refer to: Sayid Zaheer Husain Jafri, "Education and Transmission of knowledge in Medieval India", in *Intellectual Discourses*, Vol 20, No 1, 2012, p. 79-102. Norah M. Titley, *Sports and Pastimes: Scenes from Turkish, Persian, and Mughal Paintings*, Booklets Series, British Library booklets, 1979. Syed Bashir Hasan, "Technology in 15th Century Malwa – Evidence of Miftah-ul Fuzala", *Proceedings of the U. P. History Congress (Jaunpur Session)*, 2011. Andrew Topsfield, *The Art of Play: Board and Card Games of India*, ed. Andrew Topsfield, Marg Publications, 2006. Alam Ishrat, "Textile tools as depicted in Ajanta and Mughal Paintings" in *Technology in Ancient and Medieval India*, ed. Anirudh Roy and S. K. Bagchi, Delhi, 1986. Vivek Gupta "Wonder Reoriented: Manuscripts and Experience in Islamicate Societies of South Asia (ca. 1450-1600)", PhD thesis, SOAS University of London, 2020; etc.

مفتاح الفضلا به طور گسترده بررسی نشده است. در چند مقاله و کتاب حاوی تحقیقاتی درباره فرهنگ‌نویسی یا نسخه‌های فارسی (نک: فهرست منابع: Baevskii, Maciuszak, Rieu^۱) اطلاعاتی کلی شامل اسم مؤلف، معرفی آثار دیگر، تاریخ کتابت مفتاح الفضلا، ساختار این فرهنگ و معرفی بسیار مختصری از محتوا و ذکر منابع آن ارائه شده است. گاهی هم این اطلاعات درست و دقیق نیست؛ مثلاً بایفسکی نوشه است در بعضی از تعریف‌ها در مفتاح الفضلا شاهد مثال وجود دارد (Baevskii, p. 110)؛ ولی می‌دانیم که بهجز یک مورد اتفاقی (در اثر رونویسی) مفتاح الفضلا از شاهد مثال خالی است و آن یک مورد نیز تنها در نسخه مجلس آمده که احتمالاً بایفسکی به آن دسترسی نداشته است. باید گفت در منابع مذکور بیشتر از فهرست ریو درباره نسخه بریتانیا نقل قول شده است که در آن راجع به نسخه مجلس صحبت نمی‌شود. به نظر می‌رسد در میان محققان غیر ایرانی، نسخه مجلس اصلاً شناخته شده نبوده است.

در ایران نیز تاکنون در کتاب‌ها و مقالات مربوط به فرهنگ‌نویسی یا نسخه‌شناسی، فقط به نامی از مفتاح الفضلا به عنوان یکی از فرهنگ‌های نوشته شده در شبقهاره اشاره شده یا اطلاعاتی بسیار کلی و مختصر به اندازه همان اطلاعاتی که در منابع خارجی آمده تکرار شده است. بخش زیادی از این اطلاعات از فهرست ریو یا مقدمه فرهنگ نظام یا از معرفی کوتاه شهریار نقوی از مفتاح الفضلا نقل قول شده است (نک: فهرست منابع: اسکندری، ترکی و اسکندری، دیرسیاکی، شهریار نقوی، علیزاده، علیم اشرف‌خان، مرادی، منزوی^۲) و تحقیقی مفصل که اطلاعاتی جدید درباره این فرهنگ داشته باشد به انجام نرسیده است.

۱-۴. معرفی دو نسخه از مفتاح الفضلا

تا امروز فقط دو نسخه از مفتاح الفضلا شناخته شده است. از این دو، نسخه‌ای که در کتابخانه مجلس ایران نگهداری می‌شود (با شماره ۴۶۷۸) تاریخ کتابت ندارد؛ ولی کتابت آن به سده ۱۱

1. Also refer to: S. Jabir Raza, "Persian Lexicography in India: A historical survey", *Studies in People's History*, Vol 5, issue 2, 2018, p. 207-218. C. A. Storey, *Persian Literature, A Bio-Bibliographical Survey, Vol 3 Part 1: Lexicography, Grammar, Prosody and Poetics*, ed. V. M. Shepherd, Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, 1984.

2. نیز نک: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فتحا)، ج ۳۰، به کوشش مصطفی درایتی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۸۴۶. «فرهنگ‌نویسی در ایران و شبقةاره هند و پاکستان و بھارت و بھار عجم»، کاظم دزفولیان، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شو ۲۷؛ ۱۳۷۹، ص ۱۵-۲۳. سیر تاریخی فرهنگ‌نامه‌نویسی در زبان و ادب فارسی، ج ۱، میرزا متاجی امیررود، نوشهر: ناسنگ، ۱۳۹۴.

منسوب شده است؛ یعنی یک سده بعد از تألیف خود اثر. این نسخه، دیباچه ندارد و بلافصله با متن فرهنگ آغاز می‌شود. نام کتاب، تنها در عنوان بخش دوم این نسخه آمده است: «از مفتاح الفضلا در مرگبات، بعضی اصطلاحات: قسم دوم» (گ ۹۹ پ). در این نسخه متأسفانه به نام مؤلف و تاریخ تألیف نیز اشاره‌ای نشده؛ ولی در برگ ۱۲۲ ر، اسم کاتب، سید عالم، و اسم صاحب نسخه، میرزا امیریک، آمده است. این نسخه به خط نستعلیق روی کاغذ سپاهانی رنگارنگ (سبز، زرد، نخودی و آبی) نوشته شده و دارای ۱۲۲ برگ است که هر کدام از آن‌ها ۱۷ سطر دارد (منزوی ۲، ج ۷، ص ۵۶۴۶). عنوان باب‌ها و فصل‌ها در متن این نسخه در همه‌جا با جوهر قرمز نوشته شده و کاتب گاهی روی سر مدخل‌ها خط قرمز کشیده تا آن‌ها را از بقیه متن تمایز کند و گاهی خود سر مدخل را با جوهر قرمز نوشته است.

نسخه دیگر مفتاح الفضلا در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود و در فهرست ریو ثبت شده است (Or. 3299). این نسخه دیباچه مؤلف را دارد و در آن نام مؤلف، تاریخ تألیف و عنوان کتاب آمده است (گ ۲ پ، گ ۴-۳). متن اصلی این نسخه به خط نستعلیق درشت روی کاغذ حنایی نوشته شده و دارای ۳۰۶ برگ است که در هر کدام از آن‌ها ۱۰ سطر مسطور است. عنوان باب‌ها به خط محقق درشت و طلایی، عنوان فصل‌ها به خط نسخ لاجوردی و سر مدخل‌ها به خط نستعلیق و با جوهر شنگرف نوشته شده است. نقش مجلد رنگ آمیز صفحه اول، سرلوح مذهب به طلا و لاجورد وغیره دارد.^۱

این نسخه، ۱۸۷ نقاشی کوچک رنگی دارد که گاهی دو نقاشی در یک برگ جا شده است. این نقاشی‌ها نقش کارآمدی در انتقال و تبیین معنای کلمه‌های تخصصی-فقی، و معنای واژه‌های عمومی ایفا می‌کند (Qaisar, p. 18). در بعضی از موارد، نقاشی‌ها دو معنی مختلف یک کلمه را نشان می‌دهد؛ مثلاً برای معروف کلمه «یوز»، که به معنی پلنگ و نیز سگ شکاری است، در یکی از نقاشی‌ها سگی که به دنبال پلنگ می‌دود به تصویر کشیده شده است (پیوست ۱). یا کلمه «گور» که برای روش ساختن همه معانی آن، گورخری به تصویر کشیده شده که در دشتی در کنار یک مقبره جست و خیز می‌کند (پیوست ۲) (Titley, p. 18-19). در بعضی از نقاشی‌های این نسخه، ابزارهای مختلف قدیمی برای اولین بار در تاریخ به تصویر کشیده شده

است؛ مثلاً «چوبلين» (ابزاری که با استفاده از آن پنبه را از دانه هایش جدا می کنند) (پیوست ۳) (Firdaus, p. 318) یا «درونه» (کمان نداف) (پیوست ۴)، یا «کلابه» (آلت چوینی که بر آن رسمن و ابریشم می پیچند) (پیوست ۵)، یا «لوح پا» (دستگاه رسمندگی قدیم) (پیوست ۶) (Qaisar, p. 19).

از نظر ویژگی های سبکی، نقاشی های این نسخه به مکتب نقاشی مالوه تعلق دارد؛ منطقه ای که مرکز آن ماندو (یا شادی آباد) بوده و این کتاب در زمان حکومت سلسله خلجی در آنجا نگاشته شده است (18, idem, p. 18). این مکتب (سدۀ ۹-۱۰) خاص و منحصر به فرد است و با ویژگی های سبکی نقاشی دیگر مناطق هند تقاضت دارد (Verma, p. 21). در مورد انتساب نقاشی های نسخه بریتانیا به یکی از مکاتب نقاشی حوزه فرهنگی ایران بزرگ، در منابع مختلف به نظرات گوناگونی بر می خوریم که باید داوری در مورد صحبت آنها را به کارشناسان تاریخ نقاشی شرق واگذاریم؛ به عنوان مثال، لاستی در بخشی از مقاله اش به روشنی، نقاشی های این نسخه را به سبک ترکمانان شیراز متعلق می داند و در چند سطر پایین تر، به شکلی مبهم و متناقض، نقاشی های این نسخه را با نقاشی های مکتب شیراز مطابق نمی داند و چنین نتیجه می گیرد که چون هیچ نسخه خطی شیرازی ای در این سبک وجود ندارد بدون شک این نسخه ابداع ماندو است (Losty, p. 66). حاصل دریافت از این دو جمله متناقض لاستی، می تواند این گونه تحلیل شود که: با آنکه کلیات سبکی نقاشی های این نسخه در چهار چوب ویژگی های مکتب ترکمانان شیراز قرار می گیرد، اما در این نقاشی ها تقاضاتی منحصر به نقاشی های منطقه ماندو بدانیم. از سوی دیگر، ورما در مقاله ای مفصل با ذکر جزئیاتی دقیق، از این دیدگاه دفاع می کند که آنها را محصولی متمایز و دارای تصریفاتی منحصر به نقاشی های منطقه ماندو بدانیم. برخی از مشابهات ها (مثلاً در مورد طراحی شکل ابرها، خطوط بالای آفک، منظرة پس زمینه و غیره) در نقاشی های این نسخه و نقاشی های مکتب ترکمانان شیراز، شبیه بودن لباس های افراد به پوشش اهالی فارس (و نه پوشش مرسم هندیان) را دلیلی بر این می داند که نقاشی های این نسخه در ذیل نقاشی های مکتب ترکمانان شیراز جای می گیرد (Verma, p. 21-22). سه نسخه شناخته شده دیگر از کتب دیگری که آنها هم به سفارش سلاطین ماندو تهیه شده، دارای

نقاشی‌هایی است که به همین سبک مکتب مالوه کشیده شده؛ از جمله بوستان، نعمت‌نامه و عجایب‌الصنایع. بر اساس بررسی ویژگی‌های سبکی نقاشی‌ها می‌توان حدس زد که این نسخه از مفتاح‌الفضلا قدم‌ترین نسخه از بین این چهار نسخه مصور است که احتمالاً بین سال‌های ۸۷۵ تا ۸۹۵ تهیه شده (idem, p. 22)؛ یعنی حداقل حدود بیست سال بعد از نوشتن اثر اصلی.^۱ عجایب‌الصنایع، که مترجم آن نیز شادی‌آبادی است و حدود ۱۷۵ نقاشی دارد، آخرین نسخه از نسخه‌های مذکور است (Losty, p. 68). اسم نقاش در هیچ‌کدام از نسخه‌ها نیامده است و معلوم نیست که در همه نسخ، نقاش یک نفر بوده یا نه؛ ولی به احتمال زیاد، کاتب این نسخه از مفتاح‌الفضلا همان کاتب بوستان و نعمت‌نامه است که نامش در بوستان به این صورت آمده است: «شاہسوار الکاتب»؛ اگرچه به نظر می‌رسد که این لقب وی باشد، نه اسم واقعی اش. بوستان نیز مثل مفتاح‌الفضلا به خط نستعلیق خیلی درشت نوشته شده است، و نعمت‌نامه به خط نسخ خیلی درشت، و انگار در هر سه نسخه همین سبک پیروی شده است؛ سبکی که احتمالاً منحصر به‌فرد است و مخصوص دوره ماندو (idem, p. 67).^۲ نکته جالب در این میان، یکی از نقاشی‌های مفتاح‌الفضلاست که برای سرمدخل «زرینه‌کفش» کشیده شده و در آن پادشاهی با کفش‌های زرین دیده می‌شود (پیوست ۷). احتمال می‌رود این تصویر که با نقاشی دیگری در نعمت‌نامه شباهت بسیاری دارد، تمثال شاه غیاث خلجی باشد (idem, p. 66).

۱-۵. اختلافات بین نسخه‌ها

مدخل‌ها در نسخه مجلس فقط بر اساس حرف اول و آخر کلمه ترتیب داده شده است؛ ولی در نسخه بریتانیا در چند باب اول فرهنگ، از جمله باب‌های حرف «آ»، «ب»، «ت»، «ج»، «خ» و «د» تا فصل حرف «ه»، حرف دوم کلمه نیز در ترتیب دادن مدخل‌ها رعایت شده است. این

۱. به نظر Losty (p. 66) تاریخ احتمالی تهیه نسخه، سال ۸۹۵-۹۰۵ ق. است.

۲. به نظر ویوک گوپتا خط درشت نستعلیق نسخه بریتانیای مفتاح‌الفضلا نشان می‌دهد که این نسخه ممکن است برای دانش آموزان کودک و نوجوان در نظر گرفته شده باشد. به نظر وی گنجاندن چندین مدخل مریوط به اسباب‌بازی‌ها نیز تأییدی بر همین امر است. نک:

Vivek Gupta, "Toys and ephemera in a fifteenth-century multilingual illustrated dictionary from India," British Library Asian and African studies blog, 2020: <https://blogs.bl.uk/asian-and-african/2020/07/toys-and-ephemera-in-a-fifteenth-century-multilingual-illustrated-dictionary-from-india.html>.

قاعده در نسخه مجلس اصلاً به کار نرفته است و معلوم نیست چرا در نسخه بریتانیا به نحو دیگری آمده است. شاید شادی‌آبادی بعداً سعی کرده فرهنگ خود را ویرایش کند و ترتیب الفبایی دیگری به کار ببرد؛ ولی در همه باب‌ها این کار را انجام نداده است. این احتمال هم وجود دارد که این تغییرات دست‌کاری کاتب بوده باشد. در فرهنگ ادات‌الفضلا، که قبل از مفتاح‌الفضلا در سال ۱۸۲۲ق نوشته شده و مؤلفش آن را به قدرخان پسر دلورخان، بنیادگذار خاندان شاهی غوری در مالوہ (گلستانی، ص ۱۵۸)، تقدیم کرده، ظاهراً برای اولین بار در تاریخ فرهنگ‌نویسی فارسی، به جز حرف اول و آخر، حرف دوم کلمه نیز ملاک ترتیب دادن مدخل‌ها قرار گرفته است (Baevskii, p. 87). بعد از آن، در فرهنگ شرفنامه منیری نوشته شده در سال ۱۸۷۸ق، که یکی از منابع آن ادات‌الفضلاست، نیز همین روش به کار رفته است. شاید شادی‌آبادی یا کاتب نسخه بریتانیا خواسته‌اند مانند یکی از این دو فرهنگ، تغییرات جدید را در مفتاح‌الفضلا نیز اعمال نمایند. البته همان‌طور که پیش‌تر هم گفتیم، ترتیب الفبایی بر اساس حرف دوم کلمه در نسخه بریتانیا در همه ابواب و فصول به طور کامل رعایت نشده است؛ مثلاً در باب «آ» و در همه فصل‌های آن واژه‌هایی که با «آ» شروع می‌شود در ابتدای هر فصل آمده؛ ولی بر اساس حرف دوم کلمه ترتیب داده نشده است؛ با اینکه در کلمه‌هایی که با «آ» شروع می‌شود این قاعده رعایت شده است.

در این چند باب اول، نسبت به باب‌های بعدی، تعاریف کلمات در هر دو نسخه اختلافات بیشتری دارد؛ به این ترتیب که ممکن است در یکی از نسخه‌ها کلمه‌ها در تعریف جای‌جا شده باشد یا معانی مختلف یک کلمه به همان ترتیب نسخه دیگر ارائه نشده باشد. گاهی مشاهده می‌شود که در نسخه مجلس در تعریف یک سرمدخل متراծ فارسی آن آورده شده؛ اما در نسخه بریتانیا کلمه‌ای عربی به جای آن آمده است؛ مثلاً زیر سرمدخل «تر» در نسخه بریتانیا به جای کلمه «دلیر»، «شجاع» عربی آمده است، یا زیر سرمدخل «مزدکی» به جای «پس روی» از کلمه «متابعت» استفاده شده است. بعضی از تعریف‌ها در نسخه بریتانیا کوتاه‌تر و بعضی دیگر مفصل‌تر از تعریف‌های نسخه مجلس نوشته شده است. گاهی تعریف‌های این دو نسخه تقاطع فاحشی با یکدیگر دارد؛ مثلاً تعریف «پوستین» در نسخه مجلس به این صورت آمده است: «عیب و پوستی گران‌مایه» و در نسخه بریتانیا به این صورت: «عیب و جامه‌ای که آستر آن از قاقم و

سمور و امثال آن باشد» که به تعریف همین سرمدخل در شرفنامه خیلی نزدیکتر است. گاهی نیز وقتی یک کلمه دو تلفظ مختلف دارد، در نسخه بریتانیا این کلمه با اشاره به تلفظهای متفاوتش دو بار سرمدخل شده است، درحالی که در نسخه مجلس همان کلمه یک بار سرمدخل شده است (مانند «ارغدۀ») و در خود تعریف به تلفظ متفاوت آن اشاره شده است. گاهی نیز وقتی یک کلمه چند معنی مختلف دارد، در نسخه مجلس برای هرکدام از آن‌ها مدخلی جداگانه در نظر گرفته شده؛ ولی در نسخه بریتانیا همه آن معانی زیر یک سرمدخل ارائه شده است (مانند «پرنده») یا بر عکس (مانند «بردک»). بعضی از سرمدخل‌های نسخه مجلس در نسخه بریتانیا نیامده است، و برعکس، گاهی کلماتی در نسخه بریتانیا می‌بینیم که در نسخه مجلس نیست. در این میان احتمال می‌رود که برخی از سرمدخل‌های موجود در نسخه بریتانیا که در نسخه مجلس نیست، مصحّف باشد (مانند بیروج، بفتح). بعد از باب «د»، هم ترتیب کلمات و هم تعاریف آن‌ها در هر دو نسخه تطابق بیشتری دارد و اختلافات بین دونسخه کمتر شده است.

همچنین باید گفت که در نسخه بریتانیا برخلاف نسخه مجلس، باب جداگانه‌ای برای حرف «پ» وجود دارد. در دیباچه نسخه بریتانیا اشاره شده که این کتاب در بیست و دو باب تنظیم شده است؛ ولی نسخه مجلس تنها بیست و یک باب دارد و دلیل این اختلاف، در نظر گرفته نشدن همان باب مجزا برای حرف «پ» در نسخه مجلس است. نیز در بعضی از باب‌های نسخه بریتانیا، فصل‌های جداگانه‌ای برای حروف «پ» و «چ» و «ق» ترتیب داده شده؛ درحالی که در نسخه مجلس کلمه‌هایی که به حروف «پ» و «چ» ختم می‌شود در فصل‌های «ب» یا «چ» آمده است، و فصل حرف «ق» در هیچ‌کدام از باب‌ها نیست. در نسخه بریتانیا، در باب‌های بعد از باب «د»، فصل جداگانه‌ای برای حروف «پ»، «چ» و «ق» نیست؛ درست مانند آنچه در نسخه مجلس مشاهده می‌کنیم. البته گاهی در نسخه بریتانیا فصل‌های داخل باب‌ها به ترتیب الفبایی نیامده است؛ مثلاً در باب حرف «ر»، بعد از فصل «ش»، ابتدا فصل حرف «غ» آمده است، نه فصل حرف «ف».

از طرف دیگر، نسخه مجلس، قسم دوم (واژه‌های مرکب و اصطلاحات شعری) را دارد که در دیباچه نسخه بریتانیا به آن اشاره‌ای نشده است و در خود نسخه بریتانیا نیز وجود ندارد. معلوم نیست که آیا این قسم (قسم دوم) در صورت اولیه مفتاح‌الفضلا وجود داشته یا شادی‌آبادی آن را

بعداً اضافه کرده است. بعضی از اصطلاحات یا کلمه‌های مرکب قسم دوم نسخه مجلس، در متن اصلی نسخه بریتانیا ارائه شده است، در صورتی که در نسخه مجلس، فقط در قسم دوم آمده (مانند باد بروت، تخته سپار). گفته‌ی است که ادات‌الفضلا نیز مانند نسخه مجلس دو قسم دارد که قسم دوم آن شامل واژه‌های مرکب و عبارات شعری است و مؤلف، آن‌ها را به همان ترتیب قسمت اول مرتب کرده است.

اسم باب‌ها و فصل‌ها نیز در دو نسخه به یک صورت نوشته نشده است. در نسخه مجلس، در ابتدای هر باب، عنوان آن به این صورت می‌آید: مثلاً «باب الألف مع الألف»؛ اما در نسخه بریتانیا تنها عنوان باب می‌آید، مثلاً «باب الألف»، و فصل اول هر باب عنوان ندارد. در نسخه بریتانیا عنوان باب‌های دیگر به این صورت نوشته شده است: مثلاً «حرف الباء»؛ در حالی‌که در نسخه مجلس به جای عنوان فقط حرف خود حرف در ابتدای فهرست واژه‌ها نوشته شده است.

۱-۶. روش تصحیح

در تصحیح نسخه‌های مفتاح الفضلا از روش انتقادی استفاده کرده‌ایم که «هدف آن حاصل آوردن متى است از اثری که بر اساس عرضه دادن متن نسخه اساس و مقابله کردن آن با نسخه‌های بدل معتبر آن اثر فراهم آمده باشد؛ به طوری که آن متن حاصل، چه از جهت مفهوم و معنی و چه از بابت لفظ و صورت، عین نخستین نسخه‌ای باشد که مؤلف عرضه داشته است؛ یا لاقل هیئتی داشته باشد که مؤلف اثرش را به مانند آن یا نزدیک به آن فراهم آورده بوده است» (مایل هروی، ص ۳۹۳). به نظر صادقی در تصحیح فرهنگ‌های قدیم پنج کار باید انجام گیرد: ۱- تصحیح متن بر اساس نسخه‌های معتبر، ۲- بررسی منابع کتاب و کترول نقل‌هایی که از این منابع صورت گرفته و نیز تحقیق درباره منابع احتمالی‌ای که مأخذ گردآوری مواد مؤلف بوده و وی به آن‌ها اشاره نکرده است؛ ۳- بررسی شواهدی (اگر فرهنگ دارای شاهد است) که مؤلف از متنون نقل کرده است؛ ۴- پیدا کردن شاهد برای لغات و معانی‌ای که در فرهنگ آمده و مؤلف برای آن‌ها شاهد به دست نداده است؛ ۵- روشن کردن لغاتی که در نتیجه تصحیح‌خوانی پیدا شده و معانی‌ای که در نتیجه بدفهمی شواهد حاصل شده است (صادقی ۲، ص ۵۰۲). در تصحیح مفتاح الفضلا همه این موارد را در نظر داشته‌ایم.

اگرچه نسخه مجلس از حیث تاریخ کتابت متأخر از نسخه بریتانیاست، به نظر می‌رسد نسخه مجلس از روی نسخه‌ای قدیمتر یا از روی نسخه‌ای که کمتر دچار تصرف کاتبان شده بوده، نگاشته شده است. همان‌طور که در بخش فوق «اختلافات بین نسخه‌ها» اشاره کردیم، در چند باب اول نسخه بریتانیا مدخل‌ها به روش دیگری ترتیب داده شده است و این روش با روش نسخه مجلس تفاوت دارد؛ یعنی در نسخه بریتانیا در ترتیب دادن مدخل‌ها نه تنها حرف اول و آخر کلمه، بلکه حرف دوم کلمه هم در نظر گرفته شده است. مشکل اینجاست که این روش جدید فقط در شش باب اول نسخه بریتانیا اعمال شده و در بقیه باب‌ها همان روشی که بر اساس آن نسخه مجلس نیز تنظیم شده به کار رفته است. بیشتر اختلافات بین نسخه‌ها در همین چند باب مشاهده می‌شود. به احتمال زیاد در این چند باب نسخه بریتانیا، ویرایش بعدی صورت اولیه مفتاح الفضلا را می‌بینیم چون بعد از این چند باب در هر دو نسخه همان روش مرتب کردن مدخل‌ها (بر اساس حرف اول و آخر کلمه) به کار رفته و معلوم می‌شود که این تغییرات در نسخه بریتانیا، حتی اگر خود شادی‌آبادی آن‌ها را انجام داده باشد، به طور کامل صورت نگرفته و تا آخر کتاب انجام نپذیرفته و از این‌رو متن و روش تنظیم به کار رفته در نسخه بریتانیا یک‌پارچه نیست. از طرف دیگر، در نسخه مجلس از شروع کتاب تا پایان آن ساختار و روش ترتیب مدخل‌ها یکی است و با اینکه این نسخه جدیدتر است، به نظر می‌رسد در آن، صورت اولیه مفتاح الفضلا، بدون تغییرات ناکاملی که منشاء آن‌ها نیز معلوم نیست، حفظ شده است. بنابراین با این قصد که متن تصحیح شده یک‌پارچه باشد، ما نسخه مجلس را بر نسخه قدیم‌تر بریتانیا ترجیح داده‌ایم و به همین دلیل آن را در حکم نسخه اساس («آ») قرار داده و از نسخه بریتانیا («ب») به عنوان نسخه بدل استفاده کرده‌ایم. علاوه بر این، با توجه به اینکه نسخه بریتانیا فاقد قسم دوم (واژه‌های مرگب و اصطلاحات شعری) است (بعضی از عبارات قسم دوم نسخه مجلس در شش باب اول نسخه بریتانیا نیز آمده است که این باز نمایانگر تلاش‌های ویرایشی و گنجیدن قسم دوم در متن قسم اول و تنظیم متن فرهنگ فقط در یک قسم است؛ تلاشی که تا آخر به انجام نرسیده است)، ما متن کامل این فرهنگ را بر اساس مندرجات نسخه («آ») همراه با قسم دوم آن ارائه نموده‌ایم.

در مواردی که نسخه («آ») افتادگی داشته (مثلاً در باب «الاو» که نشانی از مدخل‌های حرف

«ز» تا حرف «و» نمی‌یابیم، قسمت‌های مفقوده را از روی نسخه «ب» به متن تصحیح شده اضافه کردہ‌ایم. البته نسخه «ب» نیز کامل نیست و در آن، در باب حرف «غ» فصل‌های حروف «ج» و «د» وجود ندارند و در آخر کتاب (در باب حرف «و» از فصل حرف «ه» تا فصل حرف «ج» در باب حرف «ه» و از فصل حرف «ی» در باب حرف «ه» تا فصل حرف «د» در باب حرف «ی») نسخه افتادگی دارد. همچنین در مواردی که تعریف‌های ارائه شده در نسخه «آ» کامل و قابل فهم نیستند، یا اغلات دستوری و املائی یا غلط‌های دیگری دارد، یا در مواردی که بخش‌هایی از نسخه «آ» خوانا نیست، از نسخه «ب» یاری جسته‌ایم و ترجیح‌های نسخه «ب» را در متن اصلی آورده‌ایم. همچنین فصل‌های حرف «ق» و نیز کلمه‌هایی را که در نسخه «آ» نیامده است، (به‌حاطر فوایدی که برای تحقیقات مربوط به تاریخ فرهنگ‌نویسی فارسی و غنابخشی به خود زبان فارسی دارد) از روی نسخه «ب» در متن تصحیح شده ضبط نموده‌ایم. بعضی واژه‌های غلط را که احتمالاً نتیجه اشتباه مؤلف کتاب است، به همان صورت دست‌ناخورده در متن باقی گذاشته‌ایم و تنها در حاشیه به صورت صحیح این الفاظ اشاره نموده‌ایم.

در تصحیح متن مفتاح الفضلا، از فرهنگ‌هایی که جزء منابع نویسنده این فرهنگ بوده و خود مؤلف در دیباچه به آن‌ها اشاره نموده است نیز یاری جسته‌ایم؛ اما کار ما در تطبیق این فرهنگ با دیگر فرهنگ‌ها به همین‌جا ختم نشده و از دیگر فرهنگ‌های همدورة مفتاح الفضلا (مثل زبان گویا و شرفنامه منیری)، و حتی از فرهنگ‌هایی که پس از مفتاح الفضلا نوشته شده است (مثل مدارالاَفضل و برهان قاطع)، عنداللّزوم بهره برده‌ایم. از این‌رو به مقایسه و مقابله معانی واژه‌های این فرهنگ با فرهنگ‌های مختلف پرداخته‌ایم تا بتوانیم در مورد اینکه آیا لغت و معنی یا معانی هر سرمدخل چگونه به دست آمده و درست است یا غلط، اصیل است یا محترف، کامل است یا ناقص، بهتر داوری کنیم (صادقی ۲، ص ۵۰۳). هرجا که لازم بوده و اختلاف چشمگیری مشاهده شده، نتیجه این مقایسه‌ها را در حاشیه نوشته‌ایم و هر گاه که نسخه‌های دوگانه مفتاح الفضلا مشکلات هم‌دیگر را حل نمی‌کرده است، با رجوع به فرهنگ‌های مذکور از آن‌ها کمک گرفته‌ایم و اگر واژه‌ای صراحتاً غلط بوده، آن را از روی فرهنگ‌های دیگر تصحیح نموده، و صورت واژه‌ای را که در نسخ اصلی بوده، در حاشیه نوشته‌ایم. اگر در عبارتی کلمه‌ای را افتاده دیده‌ایم، و آن را در نسخه «ب» نیز نیافته‌ایم، آن کلمه را

از روی فرهنگ‌های دیگر به متن افزوده و در کروشه [] گذاشته‌ایم. در مورد معادل‌های هندی و ترکی نیز تا حدّ وسع کوشیده‌ایم که صورت درست آن‌ها را در منابع مختلف بیاییم. مدخل‌های ضبط شده در نسخ مفتاح الفضلا شواهدی ندارد (به جز یک مورد). از همین‌رو برای آن دسته از مدخل‌های مفتاح الفضلا که در فرهنگ‌های دیگر نیامده یا شاهدی برای آن‌ها در فرهنگ‌های دیگر ارائه نشده است، کوشیده‌ایم از منابع ادبی شاهدی پیدا کنیم و در حاشیه یاوریم؛ اما واژه‌هایی را که نتوانسته‌ایم برای آن‌ها شاهدی پیدا کنیم و بدین‌وسیله شکل درست آن‌ها را تعیین کنیم، به همان شکل مندرج در نسخ، در متن تصحیح شده باقی گذاشته‌ایم. در مواردی که تصحیف یک کلمه بر ما معلوم شده است، در حاشیه بدان اشاره نموده‌ایم. تمام اختلافات بین نسخه‌ها را در اولین حاشیه هر صفحه ذکر نموده‌ایم تا این فرصت را برای خواننده پدید یاوریم که در فهم مطلب واستدلال در معنی مورد نظر، همه احتمالات را در دست داشته باشد. حاشیه دوم هر صفحه نیز به بیان توضیحات ضروری در مورد متن، یا تأیید معنی مورد نظر، یا تکمیل و نقد آن اختصاص یافته است.

بیشتر سرمدخل‌ها در هر دو نسخه مفتاح الفضلا مشکول است. تصحیح انتقادی نسخه‌های مشکول، مصحح را ملتزم می‌دارد که شکل آواها و واژه‌های متن را حفظ نماید و به هیچ وجه تلفظ‌های روزگار خویش را برای آن‌ها در نظر نگیرد؛ زیرا این دسته از نسخه‌های خطی فارسی دارای خصیصه‌هایی است که از نظر تحقیق در تاریخ زبان و گونه‌های آن حائز اهمیت فراوان است و سوای آنکه صورت زیان مؤلف یک اثر راضمانت می‌کند، نمودار هویت ویژه خود هم هست (مایل هروی، ص ۴۰۶). به همین دلیل، با آنکه مؤلف یا کاتب را در حرکت‌گذاری بر کلمات، چندان دقیق نیافته‌ایم، کوشیده‌ایم هیچ تصریفی در «تشکیل» کلمات اعمال نکنیم و از همین‌رو تمام حرکت‌گذاری‌هایی که در متن مصحح مشاهده می‌شود، در اصل نسخه موجود است و ما از خود هیچ حرکتی بدان‌ها اضافه نکرده‌ایم. البته باید گفت که در نسخه‌ها پاره‌ای از واژه‌ها با فتحه یا گاه ضممه روی حرف پایان کلمه ضبط شده و گرچه این موارد در نسخه‌های مذکور فراوان است و ظاهراً تلفظ خاصی را نمایان می‌کند، ما تقریباً مطمئنیم که در زیان فارسی امروزی چنین تلفظی وجود ندارد. از همین‌رو این حرکت‌ها را در متن تصحیح شده حذف نموده و از ذکر آن‌ها صرف نظر کرده‌ایم.

اگر در مورد تلفظ بین نسخه‌ها اختلافی وجود داشته، هر دو صورت تلفظ را در متن اصلی و در حاشیه ضبط نموده‌ایم. در مواردی که در نسخه «آ» سرمدخلی بدون حرکت‌گذاری آمده بوده، تلفظی را که در نسخه «ب» موجود بوده ارائه کرده‌ایم. در هر دو نسخه مفتاح الفضلا‌گاهی بعضی از واژه‌های داخل تعریف نیز مشکول شده؛ اما ما در متن حاضر، تنها برخی از این قبیل حرکت‌گذاری‌های کاتب را که اهمیت بیشتری داشته است، حفظ کرده‌ایم و مابقی را واگذارشته‌ایم.

گاهی در تعریف واژه‌های مشکول عبارت‌های بیان حرکت (مانند «با فتح باء»، «به ضم کاف» و غیره) نیز آمده است. چون به‌حال در نسخه‌ها روی این واژه‌ها حرکت ضبط شده است، در متن تصحیح شده این عبارت‌ها را حذف کرده‌ایم و اگر کلمه مشکول نبوده، طبق تعریف آن روی هر کلمه حرکت‌گذاری انجام داده‌ایم و این عبارت‌ها را حذف کرده‌ایم؛ با این استدلال که بیشتر سرمدخل‌های فرهنگ مشکول شده و بدون عبارت‌های مذکور آمده و حذف آن‌ها در بعضی از موارد به پرهیز از اطباب مدخل‌ها با اطلاعات غیرلازم و نیز به یکسان کردن متن فرهنگ کمک می‌کند. فقط در بعضی موارد (هنگامی که با عبارت‌های مذکور تلفظ دیگری از سرمدخل ارائه داده شده است) آن‌ها را در متن تصحیح شده نگاه داشته‌ایم.

بر موارد یادشده این نکته را باید افزود که معمولاً هنگامی که کلمات فارسی دارای حروف «پ»، «ج»، «ژ»، «گ» سرمدخل است، مؤلف با عبارت‌هایی مانند «با بای پارسی»، «به جیم پارسی» و غیره به تلفظ فارسی این حروف اشاره کرده است. او حتی گاهی به تلفظ فارسی مصوت‌های «أاو» و «يَا» و گاهی به تلفظ عربی حروفی چون «ب»، «ج»، «خ»، «ز»، «ك»، «ى»، «واو»، و گاهی به مهمله یا معجممه بودن صامت‌هایی مثل «س»، «ش»، «ذ»، «ر»، «ز» و «غ» نیز اشاره کرده است. در متن تصحیح شده بیشتر این عبارت‌ها برای راحت خواندن متن حذف شده است چون با الفبای امروزی دیگر نیازی به ذکر آن‌ها نیست.

در حاشیه نسخه «ب» شاهد حضور معدودی توضیحات اضافی درباره بعضی از سرمدخل‌ها نیز هستیم که معلوم نیست از آن خود شادی‌آبادی یا کاتب اصلی متن باشد. به‌مروری، چنین مواردی را نیز در حاشیه ضبط کرده‌ایم.

با توجه به اینکه روش مؤلف در تنظیم و ترتیب واژه‌ها بر اساس حرف آول در هر باب و

حرف آخر در هر فصل است، برای سهولت دست‌یابی به واژه‌ها، فهرست الفبایی مدخل‌ها را به شیوه امروزی به این تصحیح افزوده‌ایم.

۱-۷. رسم الخط نسخه‌ها

کاتبان دو نسخه در رسم الخط یکدست عمل نکرده‌اند و نسخه‌های مفتاح‌الفضل اسلوب واحدی در نوشتن حروف فارسی یا جدانویسی و سرهمنویسی ندارند. برخی از ویژگی‌های رسم الخط این دو نسخه به صورت زیر است:

* حروف فارسی «پ»، «چ»، «ژ»، «گ». در نسخه «آ» حروف «پ»، «چ»، «ژ» تنها با یک نقطه نوشته شده؛ ولی در نسخه «ب» این حروف با سه نقطه به همین شکل مرسوم امروز نوشته شده است. البته در کل نسخه «ب» کاتب این روش را ادامه نداده و یکدست عمل نکرده است؛ گاهی حتی در یک کلمه، یک حرف را فارسی (پ، چ، ژ، گ) نوشته و حرف دیگر را به همان صورت عربی باقی گذاشته است؛ مثل «دژگامه» (در این مثال، کاتب فقط «ژ» را نوشته و «ک» را تنها با یک سرکش آورده است). گاهی در نسخه «ب» حرف «پ» حتی با چهار نقطه نوشته شده است؛ مانند «بادپروا» (گ ۳۷ ر). حرف فارسی «گ» در هر دو نسخه به شکل «ک» نوشته شده و گاهی در نسخه «ب» در زیر حرف «ک» سه نقطه گذاشته شده است.

* سه نقطه زیر حرف «س» و نقطه زیر حرف «د». در نسخه «ب» در اکثر موارد زیر حرف «س» سه نقطه آورده شده است. همین طور به ندرت در زیر حرف دال یک نقطه گذاشته شده است؛ مانند «ازدها» (گ ۵ پ)؛ ولی مثلاً در همینجا در واژه «ازدرها» دال بدون نقطه نوشته شده است.

* نشانه مدد بر حرف «آ» و نیم‌الف مقصوره. در هر دو نسخه، گاهی در اول کلمه به جای «آ»، «آ» آمده است؛ مثلاً آشنا (آشنا)، آبان (آبان). البته در جاهای دیگر همین کلمه‌ها با «آ» نوشته شده است. گاهی نیز می‌بینیم که کلمه‌ای مانند «ایارده»، در نسخه «ب» بدون سرکش «آ» نوشته شده؛ اما در نسخه «آ» با سرکش «آ» آمده است. در نسخه «ب» گاهی در کنار حرف «الف» کوتاه یا بلند، نشانه نیم‌الف مقصوره نیز نوشته شده است.

* نشانه مدد بر روی مصوت «ا» در وسط یا آخر کلمه. فقط در نسخه «آ» دیده می‌شود و

احتمالاً به منظور تزئین خط آمده است؛ مثلاً در کلیسا (کلیسا)، قطرآن (قطران)، عزیزان (عزیزان).)

* «ة» به جای «ت» آخر واژه: ولایة، علة، لغة، حرفة و... گاهی کاتب حتی در یک جمله یک کلمه را به هر دو شکل می‌نویسد؛ مانندِ مدت و مدة (نسخه «آ»، گ ۳۷ ر). این موارد در نسخه «ب» دیده نمی‌شود.

* ذال معجمه. در هر دو نسخه گاهی قاعدة مربوط به «ذال» فارسی رعایت می‌شود و گاهی نه. یعنی گاهی واژه‌ها به صورت پذر، ماذرشوی، بوماذران، انگذان نوشته می‌شوند. به گفته نذیر احمد در این دوره در هند ذال معجمه متداول نبوده است؛ حال آنکه در برخی نواحی ایران در این دوره ذال معجمه صراحتاً به کار برده می‌شده است (نذیر احمد ۳، ص ۳۶)؛ ولی به نظر مایل هروی کاتبان سده ۸ ق (و طبیعتاً در زمان تأییف مفتاح الفضلا نیز) به ندرت به اصل «ذال» توجه داشته‌اند. مگر اینکه در نسخه‌های منقول عنه کاتب، قاعدة مذکور موجود بوده باشد (مایل هروی، ص ۲۸۲).

در نسخ مفتاح الفضلا گاهی اگرچه سر مدخل با «ذال» نوشته شده، ولی در تعریف آن نوشته شده است که این واژه با ذال معجمه نیز تلفظ می‌شود؛ مثلاً «باد» بیست دوم از ماه و بیشتر به ذال معجمه گویند).

* همزه یا نیم «ی» بعد از آن دسته از کلمات فارسی که با مصوت بلند تمام می‌شود؛ مانند بالاء، بوریاء، شهناء، نیکونیهاء. کاتب در کلمه‌ها و عبارت‌های عربی، گاه همزه (ء) را حذف کرده و گاه آن را ظاهر کرده است؛ مثل «ابوالعلا»، «ام السماء».

* «واو» و ضمه. کاتب گاهی در واژه به جای حرف «واو» ضمه آورده است؛ مثل خردید (خورشید)، طاوس (طاووس). در بعضی از کلمات نیز ضمه به صورت حرف مستقل «و» نوشته شده است: دوکان (دکان)، خورم (خرم)، خورد (خرد)؛ ولی نه در همه موارد.

* «باء» وحدت، نسبت، لیاقت، نکره، حاصل مصدری. این «ی»‌ها به صورت‌های مختلف در نسخه‌های مفتاح الفضلا شان داده می‌شود: «بی» (جایی)، «ی» (آچاری)، «ی» (آهنی)، «نی» (دارونی). در نسخه «ب» این شکل نیز آمده است: «بی» (آبوروئی). در کلمات مختوم به «های» غیر ملغوظ، در نسخه «ب» علامت «ء» آمده است؛ مانند خانه (خانه‌ای).

* کلمات مرکب. در نسخه‌های مفتاح الفضلا کلمات مرکب گاهی متصل و گاهی منفصل

نوشته می شود؛ مثلاً اردی بهشت، شیرین کار، پاک دست، آتش پرست، علم خانه. و در مقابل آشکوب، آسیاب، آبدست، تنگیاب. اگر یکی از کلمه ها به «هاء» غیر ملفوظ مختوم باشد، معمولاً آن «هاء» می افتد؛ مانند «جامخانه» (جامه خانه)، «جامخواب» (جامه خواب).

* پسوند و پیشوند. در این نسخه ها پیشوند و پسوند گاهی جدا از کلمه و گاه چسبیده به آن نوشته می شود؛ مثل همچو، همچنین، همنفس. در مقابل: هم اینجا، هم اکنون، هم سخن، یا خشنمناک، شاهوار. در برابر: اندوهناک، یاقوتوار. پیشوندهای فعلی «می»، «همی» در نسخه آآ بیشتر جدا از فعل آمده است؛ اما در نسخه «ب» گاهی چسبیده به فعل هم می آید. کاتب «باء» تأکید و «نون» نفی را هم معمولاً به فعل چسبانده است. در این نسخ، علامت صفات تفصیلی و عالی بیشتر چسبیده به کلمه آمده است.

* نشانه مفعولی «را». «را»ی مفعولی، در هر دو نسخه گاهی جدا و گاهی چسبیده نوشته شده است؛ «آنرا»، در مقابل: «شکم را»، «بخشنش را».

* علامت جمع «ها». در هر دو نسخه، نشانه «ها»ی جمع معمولاً به کلمه قبل از خود متصل کتابت می شود. اگر کلمه مختوم به «ها»ی غیر ملفوظ باشد، «ها» معمولاً ظاهر نمی شود؛ مانند «مزها» (مزهها)، پشتهمانی (پشتهمانی).

* حرف اضافه. حرف اضافه در این دو نسخه معمولاً با کلمه ای که بعد از حرف اضافه می آید، پیوسته نوشته می شود؛ مانند «درو»، «ازان»، «بکسر»، «بهندوی»، «بصورت»، «بزور»، «با هستگی».

* نشانه اضافه. در این نسخ، در کلمات مختوم به مصوت بلند «آ»، گاهی نشانه اضافه به هیئت «ء» آمده است؛ مثل «زا پارسی»، «غوغاء حوادث»، و گاه هیچ گونه علامتی دیده نمی شود. هنگامی که واژه ای به واو مصوت بلند ختم شود، نشانه اضافه به صورت «ي» مثل «موي دم»، يا «ي» مانند «گلوی مردم»، يا بدون علامت، مانند «گلو خر» می آيد. در واژه های مختوم به «ها»ی غیر ملفوظ، کاتبان نشانه اضافه را گاه به صورت «ء» ضبط کرده اند؛ مانند «بنده سخر»؛ اما این فقره بیشتر بدون نشانه آمده است؛ مانند «خانه تابستان»، «جامه باریک».

«هاء» در واژه های هندی. در این نسخ، در واژه های هندی، به جای «هاء مخفی» خاص هندی زبانان، تنها «هاء» آمده است، مانند موتها به جای موتها (نذیر احمد ۴، ص ۵۰).